

تزئینات تاقچه‌های گچی

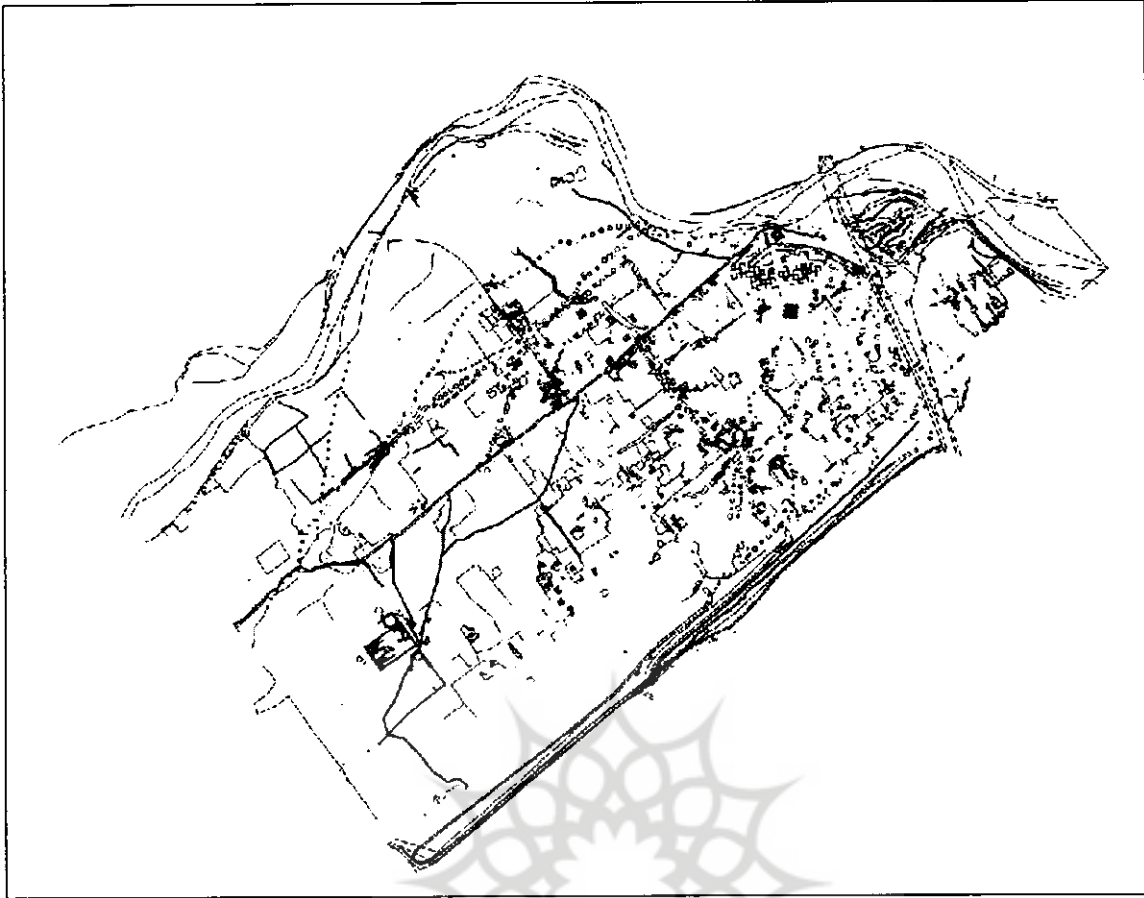
در

کاخ‌های ساسانی بیشاپور

علیرضا شاه محمدپور

یکی از دوره‌های شاخص زندگی این شهر مربوط به دوره ساسانیان است که متن کتیبه‌ای که بر روی ستونهای یادبود در زمان حکومت شاپور اول حک شده گویای این موضوع است که در این زمان شهر، بر اساس یک الگوی از پیش طراحی شده ساخته شده است. البته ارائه دوره‌های زمان‌بندی شده برای قدمت ساختمان‌های شهر در حال حاضر با ضریب اطمینان بالا امکان‌پذیر نیست ولی با این وجود بعضی از بناها دارای مشخصه‌هایی بوده‌اند که تاریخ دوره‌هایی که از آنها استفاده می‌شده، مشخص است، هرچند تاریخ دقیق ساخت آنها معلوم نیست. یکی از این موارد بنایی است با پلان چلیپا شکل که در قسمت کاخهای شاهی قرار داشته است (شکل ۱). این ساختمان در داخل محوطه ایست که توسط برج و باروها محصور شده است. محدوده‌ای که این بنا در آن قرار دارد شامل ساختمان‌های زیادی است که قدمت آنها قطعاً به دوران قبل از اسلام مربوط بوده و در قسمت غربی قلعه دختر واقع شده است.

شهر تاریخی بیشاپور دارای لایه‌های مختلف مربوط به دوره‌های گوناگون حیات این محوطه باستانی است که سالهای متمادی مورد بررسی و کاوش قرار دارد. چهره‌ای که در حال حاضر بطور طبیعی نمایان است متعلق به قرن چهارم و پنجم هجری است. در این زمان از عظمت شهر کاسته شده و بطور پراکنده و مقطعی مورد استفاده و اقامت قرار گرفته است. در شکل شماره (۱) نقشه کلی شهر بصورت مجزا از عناصر دیگر آن مانند قلعه پسر و چشمه سراب دختر و دیگر شاخصه‌های جدایی‌ناپذیرش به نمایش درآمده است. اولین چیزی که در این نقشه جلب توجه می‌کند وضعیت حفاظتی شهر است. تقریباً تمامی جبهه شمالی و شمال‌غربی آن توسط رودخانه محصور گردیده است. امنیت قسمت شمال شرقی شهر نیز با یک دژ مستحکم به نام قلعه دختر تضمین می‌شده است. دو خندق یکی در راستای شمال شرقی به جنوب غربی و یکی در راستای شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده که همدیگر را در منتهی‌الیه جنوبی شهر قطع می‌کنند.



شکل ۱: نقشه کلی شهریشاپورو محل قرارگیری بنای چلیبایی

سنگهای کوچک رنگی در کنار یکدیگر تشکیل شده بود وجود داشته است. روش ساخت این تصاویر به سبک‌های بکار رفته در بناهای رومی شباهت کامل دارد. در حال حاضر تعدادی از آنها در موزه ملی ایران و تعدادی در موزه لوور قرار دارند. در سمت شمال شرقی بنای چلیبایی ساختمان موسوم به معبد آناهیتا واقع شده؛ و راستای قرارگیری این بناها با همدیگر هماهنگ است. این ساختمان در زمان گریشمن به عنوان آتشکده نامگذاری شده بود که در زمان کاوشهای آقای سرفراز پس از تکمیل حفاریها و بازسازیهای لازم به عنوان معبد الهه آب، آناهیتا معرفی شد.

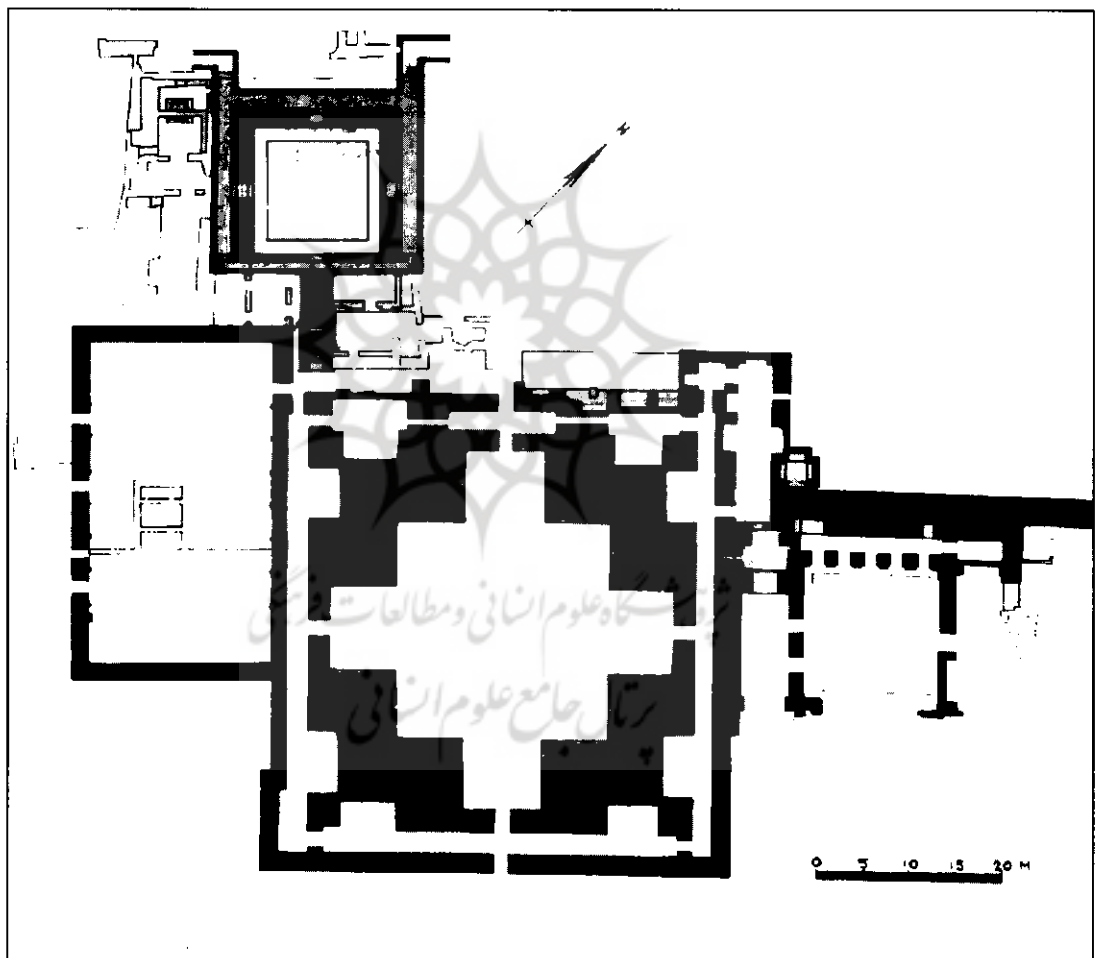
این مجموعه (شکل ۲) شامل چند فضای عمده و بزرگ و راهروهای ارتباطی و اتاق‌های کوچک است که می‌توان در مورد کاربری آنها اظهار نظرهای سطحی و سریعی نمود ولی واقع امر این است که کسی از نحوه کارکرد این فضاها اطلاع دقیقی ندارد. این موضوع نه تنها در مورد اتاقهای کوچک و

این محوطه از ابتدای حفاریها مورد توجه باستان‌شناسان قرار گرفت. گریشمن قسمتهای زیادی را مورد کاوش قرار داد. البته نوع عملکرد او با روش‌های باستان‌شناسی که درخور ارزشهای این محوطه باشد، فاصله داشت که شاید مقتضای شرایط و اوضاع آن زمان منطقه بوده است. نتایج باقی مانده از این کاوشها به صورت مختصر در کتاب پیشاپور نوشته گریشمن به چاپ رسید و تعدادی عکس نیز، نشانگر وضعیت آثار، در روزهای حفاری است، ولی آنچه که بیش از دیگر بخشها دارای بار اطلاعاتی است، آثار باقی‌مانده‌ای است که شدیداً دچار آسیب شده‌اند. در شکل شماره (۲) وضعیت ساختمان چلیبیا شکل در کنار دیگر بناهای حفاری شده، نشان داده شده است. در سمت چپ و راست بنا، تالار و ایوان موزائیک قرار دارند. در این بناها تعداد زیادی تصاویر و نقوشی که از ترکیب

راهروهای ارتباطی آنها، بلکه در مورد تالارها و کاخ‌ها و معبد نیز صادق است. تجربه حفاری‌ها نشان می‌دهد که افزایش مناطق حفاری چاره کار نیست بلکه یک روش مطالعاتی و مقایسه علمی می‌تواند اطلاعات زیادی را حاصل کند. در همین قسمت‌هایی که طی نیم قرن گذشته حفاری شده‌اند می‌توان با یک نوع برنامه‌ریزی و نگاه ظریف اطلاعات با ارزشی را استخراج کرد که قبلاً بهای آن پرداخت شده است. یکی از این نقاط که دارای پتانسیل تحقیقاتی زیادی است، همین بنای عظیم چلیپایی است که قسمتی از آن مورد بحث این مقاله است.

وضعیت حال حاضر آثار این محدوده، مجموعه‌ای از توده سنگهایی است که عمده‌ترین مصالح ساختمانی این بناست. این قسمت کاملاً حفاری شده و جای خالی برای کندوکاو ندارد که ظاهراً نیازی هم به آن نیست. شاید در لایه‌های زیرین این قسمت آثاری متعلق به دوره‌های قبلی باشد ولی کنجکاو در مورد آن جایز نیست مگر آنکه توسط تکنولوژی پیشرفته، بدون دخالت در آثار باقی مانده به آنها پی برد. (شکل ۳)

در بدو بررسی این بنا آنچه که توجه انسان را به خود جلب



شکل ۲: نقشه تالار و ایوان موزائیک، بنای چلیپایی، معبد آناهیتا و اتاق‌های جانبی

می کند، فرم پلان و جزرهای ضخیم آن است که ناخودآگاه تصور را به سمت نوع پوشش آن جلب می کند. در مرحله دوم آنچه که مورد توجه قرار می گیرد، تاقچه‌های آن است. هرکدام از اضلاع این پلان بجز چهار ضلع ورودی آن سه تاقچه داشته و قسمت‌های ورودی آن شامل یک در و چهار تاقچه بوده است. مجموع این تاقچه‌ها ۶۴ تا است. مشابه این تاقچه‌ها در دیگر فضاهای کناری نیز دیده می شود. همچنین تعدادی از عناصر گچی آن نیز در جاهای دیگر دیده می‌شوند. برای مثال ستون نماهای گچی بکار رفته در این تاقچه‌ها در درگاه‌های تالار موزائیک نیز دیده می‌شوند. به عبارتی دیگر یک نوع یکپارچگی تیپولوژی در این تزئینات گچی در بسیاری از فضاهای حفاری شده این نقطه وجود دارد.

این ۶۴ تاقچه با تزئینات گچی پوشیده شده بود که در وضعیت فعلی قسمتهای کمی از آنها باقی مانده است. در شکل شماره (۴) قسمتهایی از گچبری‌های باقی مانده در یکی از تاقچه‌ها به نمایش درآمده است. در گوشه و کنار این فضا عناصر مختلفی از این تزئینات هنوز باقی است که مستندترین مدارک این مقوله هستند. از مجموع این آثار می‌توان به اطلاعات مربوط به نیمه از طرح گچبری‌های این تاقچه‌ها دست یافت. آسیب‌دیدگی‌های قسمت‌های فوقانی طبیعتاً بیش از قسمت‌های زیرین است. این گچبری‌ها شامل دو دسته هستند که اولی قطعات از پیش ساخته شده‌ای هستند که به علت تکرار استفاده از آنها بصورت تولید انبوه و به صورت قالبی ایجاد شده‌اند و دسته دوم گچبری‌هایی هستند که در جا ساخته شده‌اند. گروه اول شامل قطعات مکعبی که نقش چلیپا را تکرار می‌کنند و



شکل ۳: عکس از بنای چلیپایی

ستون‌نماهای گچی و همچنین تزئینات گیاهی بوده‌اند. دسته دوم خود شامل دو گروه‌اند. اول قسمت‌هایی که به صورت ابزار خورده ساخته شده‌اند؛ مانند شیارهای قسمت زیرین تاقچه‌ها و گروه دوم قسمت‌هایی است که برای سطوح صاف و هموار استفاده شده‌اند.

قطعاتی از این نوع گچبریها در اتاقها و تالارهای دیگر نیز وجود دارند که به همین شیوه ساخته شده‌اند. یعنی استفاده از قطعات پیش‌ساخته و ساخت درجا. تشابه فرم‌های استفاده شده، نیز آنچنان به گچبری‌های تاقچه‌های تالار مورد بحث نزدیکی دارد که می‌توان از شکل و فرم آنها در پیشنهاد طرح اصلی و احیاناً طرح بازسازی استفاده نمود.

یکی دیگر از یادگاری‌هایی که از نقوش گچبری‌های تاقچه‌های این کاخ چلیپا شکل برای ما باقی مانده است، عکسهایی است که در زمان حفاری‌های گریشمن از آنها گرفته شده است.

(شکل ۵)

این عکس‌ها نیز که در حدود دهه ۱۹۴۰ تهیه شده، در تکمیل مستندات موجود برای پیشنهاد طرح اولیه گچبری‌ها کمک شایانی می‌کند. در آن زمان وضعیت گچبری‌ها نسبتاً سالم بوده و می‌توانست با رعایت اصول حفاظتی نگهداری شوند، ولی متأسفانه این امر صورت نگرفت و تخریب این تزئینات معماری منحصربفرد روند خود را طی نمود. تنها فعالیتی که در آن زمان توسط گروه کاوشگر صورت گرفت این بود که سالمترین قطعات گچی موجود در تالار را جمع‌آوری کردند و پس از مونتاژ و سرهم‌بندی کردن قطعات بدست آمده و تکمیل قسمت‌های دیگر بصورت بازسازی از روی مدارک موجود مولاژ یا نمونه‌ای نیمه اصیل از یکی از این تاقچه‌ها ساخته شد که در حال حاضر در موزه لوور نگهداری می‌شود.

(شکل ۶)

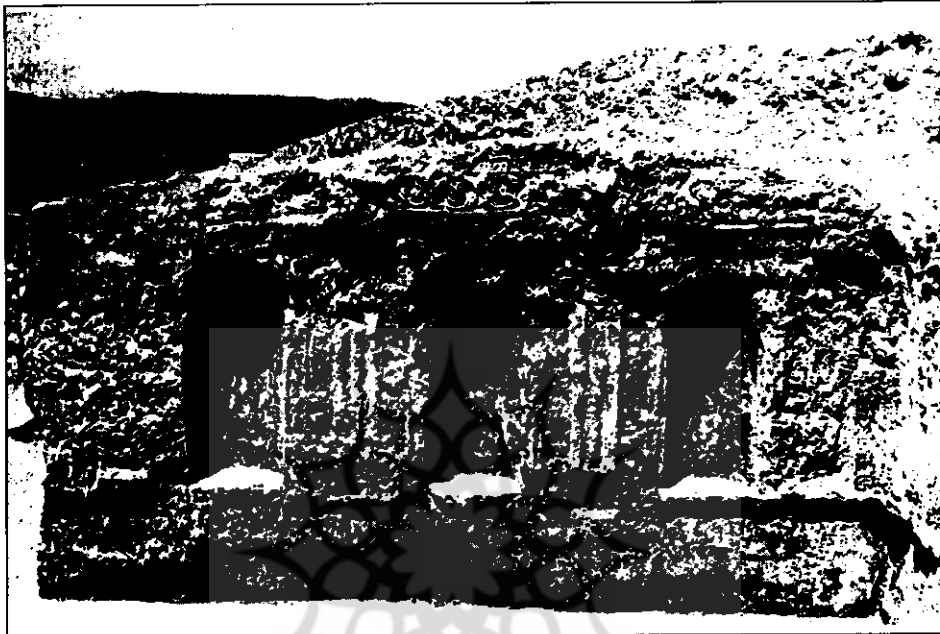
این تاقچه در پاگرد یکی از پله‌های بخش مربوط به ایران این موزه نصب گردیده و با توجه به اینکه هیچ قرابتی با نوع



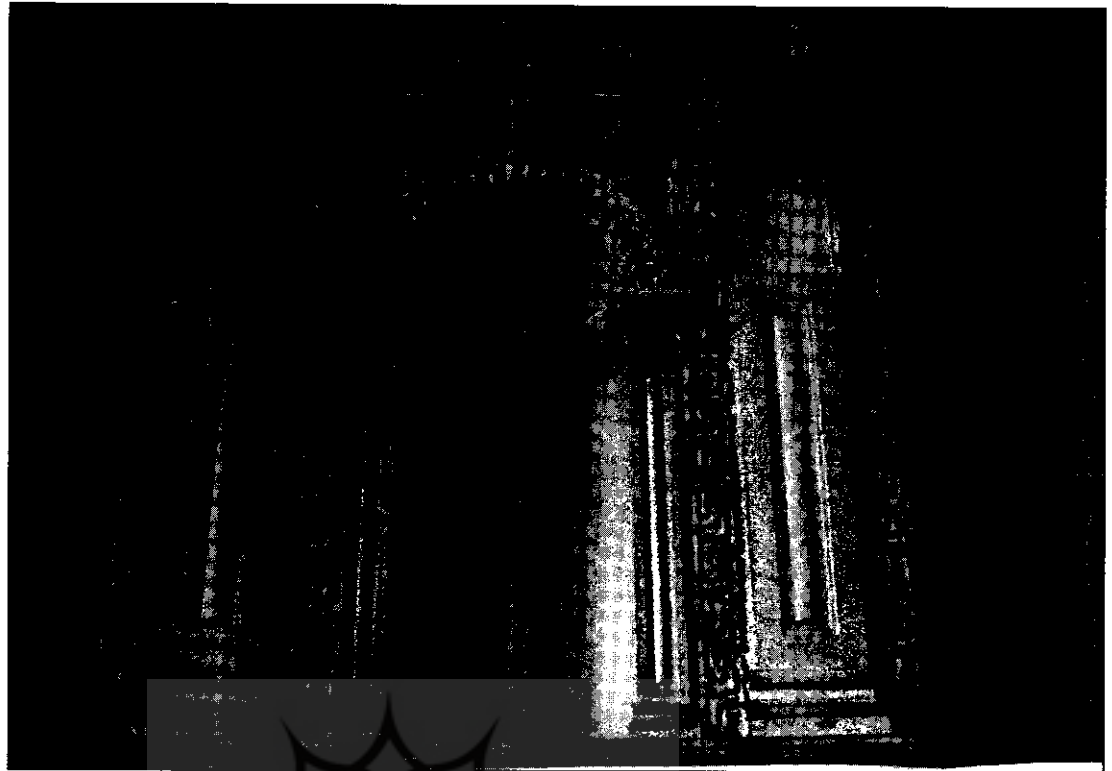
شکل ۴: آثار گچبری‌های باقی‌مانده متعلق به یکی از تاقچه‌های تالار چلیپایی

البته بدیهی است که این سند در رتبه بعدی قرار دارد. به عبارتی دیگر آنچه که در حال حاضر در سایت و یا در میان اشیاء موجود در بیشاپور یافت می گردند نسبت به این نمونه ساخته شده، از لحاظ الگو برداری و استناد در الویت قرار دارند.

بکارگیری آن در مکان اصلی خود در کاخ چلیپا شکل بیشاپور ندارد، به نوعی منزوی مانده است. با این حال چونکه این نمونه سازی بر اساس قطعات اصلی ساخته شده و در زمان تکمیل آن شواهد بسیاری از گچبری ها سالم بوده اند که الگوی طرح قرار گرفته اند، این مولاژ نیز می تواند به عنوان یکی از مستندات طرح و مبحث مورد مطالعه مورد استناد قرار گیرد.



شکل ۵: وضعیت تاتچه ها در زمان حفاری های گریشمن در دهه ۱۹۴۰



شکل ۶: مولاژ یکی از این تاقچه‌ها که در حال حاضر در موزه لوور نگهداری می‌شود

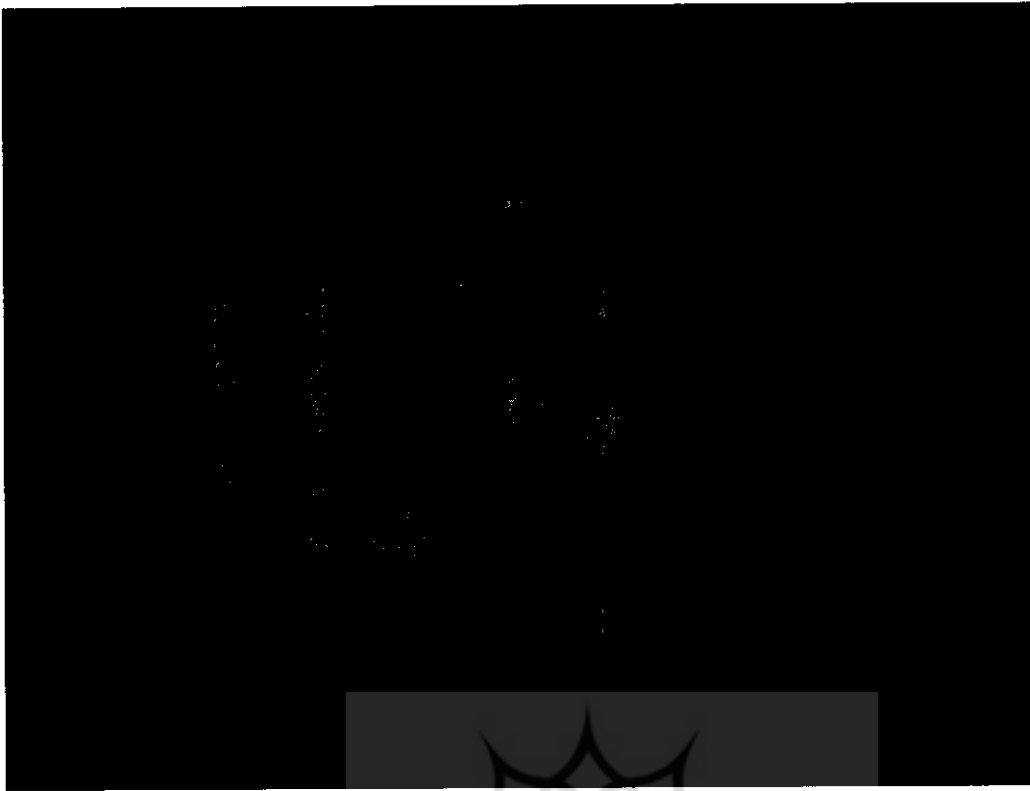
همین‌قدر باید ذکر کرد که بررسی مقایسه‌ای این فرم با اشکالی که به تعداد زیاد در معماری تمدن‌های غربی مانند یونان و روم بکار رفته‌اند، می‌تواند از لحاظ مطالعاتی جایگاه خاصی بیابد.

قطعات ۱۲ سانتیمتری در دو قسمت بکاررفته‌اند. در قوس داخل تاقچه و قسمت فوقانی تاقچه‌ها. در شکل شماره (۸) طرح این قطعه ارائه گردیده است. این برداشتها با توجه به نمونه‌های موجود در محوطه بوده و می‌تواند دقیقترین طرح باشد. البته لازم به ذکر است که آسیب دیدگی بر روی گچبری‌ها بقدری زیاد است که یک نمونه کاملاً سالم وجود ندارد. بنابراین از الگوی ارائه شده بعنوان طرح پیشنهادی نام می‌بریم. در این طرح شیارهای آن دارای ضخامت و عمق ۱۲ میلیمتر آورده شده‌اند. اندازه قوس لبه‌ها را نمی‌توان دقیقاً اندازه‌گیری کرد ولی شکل‌های موجود، چیزی در حدود شعاع ۳ میلیمتر را نشان می‌دهد. ضخامت قطعه در طرح کلی موثر

برای رسیدن به یک الگوی اولیه، از طرح این تاقچه‌ها بایستی اجزای این گچبری‌ها بطور جداگانه مورد بررسی قرار بگیرند. یکی از اصلی‌ترین این اجزاء، بلوکهایی است که دارای نقش چلیپاست و به تعداد زیاد در اینجا بکاررفته‌اند. بعضی از آنها هنوز در محل خود نصب هستند و دوتا از آنها در موزه محلی بیشاپور در دید عموم قرار دارند. (شکل ۷)

این قطعات در دو اندازه بکار رفته‌اند. قطعات کوچکتر دارای ابعاد ۱۲ در ۱۲ سانتیمتر و قطعات بزرگتر ۱۸ در ۱۸ سانتیمتر هستند. از آنجا که تعداد این قطعات زیاد بوده به روش تولید انبوه و پیش ساخته توسط قالب تولید و نصب شده‌اند. نقوش ایجاد شده بر روی این بلوکها طوری است که با کنارهم قرار گرفتن آنها طرحی زیبا که از تکرار فرم چلیپا تشکیل شده ساخته می‌شود.

مطالعه نوع طرح‌ها و خاستگاه آنها جای مطالعه دیگری دارد و در این مقاله تنها به بررسی وضعیت فرمی آنها بسنده می‌کنیم.



شکل ۷: عکس یکی از نمونه های باقی مانده از بلوک های گچی در موزه محلی بیشاپور

همانطور که گفته شد بررسی خاستگاه و بررسی های هنری طرح نیاز به گشودن مقوله های دیگر دارد ولی بررسی طرح و نکاتی که در این ترکیب زیبای قطعات بلوکی وجود دارد قابل بررسی است.

در اینجا یکی از ویژگی های این طرح بیان می گردد. (شکل ۹) در طرح نهایی که از ترکیب بلوک ها ایجاد می شود، چنانچه خطوط عمودی و افقی را از یکدیگر جدا کنیم متوجه نکته جالبی می شویم. خطوط افقی و عمودی بطور جداگانه دقیقاً منفی هم هستند و یا به عبارتی دیگر یک نوع طرح پر و خالی را ایجاد می کنند. واضح است که منظور از مطرح کردن این بحث این نیست که طرح بر این اساس شکل داده شده باشد. بلکه فقط بیان این مطلب مورد نظر است که ترکیب چلیپاها و شکل بوجود آمده دارای نهفته هایی است که نشان از اصالت و تحریف ناپذیری طرح دارد.

نیست ولی چیزی در حدود ۲۴ میلیمتر بدون احتساب برآمدگی های طرح فرم نرمال و میانگینی می تواند باشد. قطعات ۱۸ سانتیمتری در یک قسمت بکاررفته اند که آن حد فاصل بین ستون نماها و خود تاقچه است. سالمترین آنها در یکی از گوشه های این بنا قرار دارد که توسط شیشه محافظت شده است. البته این شیشه برای محافظت از معدود نمونه های رنگ اخرائی بکار رفته در دیواره های گچی ساخته شده است.

در طرح پیشنهادی، شیارها دارای ضخامت و عمق ۱۸ میلیمتر آورده شده اند. در این نمونه نیز مانند قبلی اندازه قوس لبه ها را نمی توان دقیقاً اندازه گیری کرد ولی شکل های موجود چیزی در حدود شعاع ۴ میلیمتر را نشان می دهد. باز هم ضخامت قطعه در طرح کلی موثر نیست ولی چیزی در حدود ۳۶ میلیمتر بدون احتساب برآمدگی های طرح، فرم مناسبی می تواند باشد.

از دیگر قسمت‌های این تاقچه‌های گچبری شده، طرحی است که در لبه قوس بالای آن ایجاد شده است. همانطور که در شکل‌های مربوط به زمان حفاری‌های انجام شده توسط گریشمن دیده می‌شود، این قسمت‌ها شدیداً آسیب دیده‌اند ولی باین حال طرح کلی آنها قابل بازسازی است. این فرم در قسمت‌های دیگری از شهر بیشاپور نیز دیده می‌شود. برای نمونه دو مورد اینجا ذکر می‌شود. مورد اولی در سردر ورودی معبد آناهیتاست. در چهار درگاهی که به سمت داخل حیاط معبد گشوده می‌گردند از نوعی نعل‌درگاه سنگی استفاده شده است که استحکام آنها را چندین برابر نموده است. این نعل‌درگاه از سه قسمت تشکیل شده است. در مرحله اول یک سنگی که از نوع بکار رفته در دو طرف درگاه است بصورت فارسی بر، برروی پایه‌ها قرار دارد. در دومین قسمت یک سنگ که از قسمت پائینی طویل‌تر است برروی نعل‌درگاه قبلی و دیواره‌های کناری قرار گرفته و نیروهای وارده به سنگ زیرین را کاهش می‌دهد. در مرحله سوم سنگ‌هایی را که قرار بوده نیروی وزن خود را به پائین منتقل کنند بصورت قوسی ساخت شده‌اند و در عمل بار وارده به خود را به دیواره‌ها منتقل می‌کنند. ترکیب این سه مرحله باعث استحکام بیشتر این درگاهی‌ها شده که تا به امروز از تخریب آنها جلوگیری نموده است.

سنگ درگاهی میانی دارای تزئینات حجاری شده‌ای بوده که مورد بحث ماست. البته به علت تخریب‌ها قسمت کمی از آن باقی مانده است. در این نمونه فرم‌هایی که یاد آور طرح‌های بالای قوس‌های تاقچه‌های گچبری شده بنای مورد بحث ماست مشاهده می‌گردد.

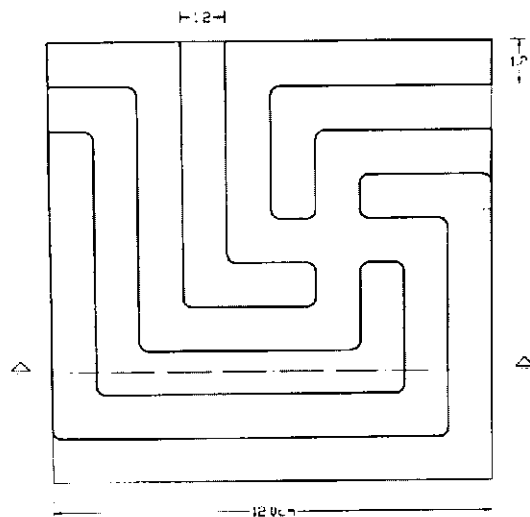
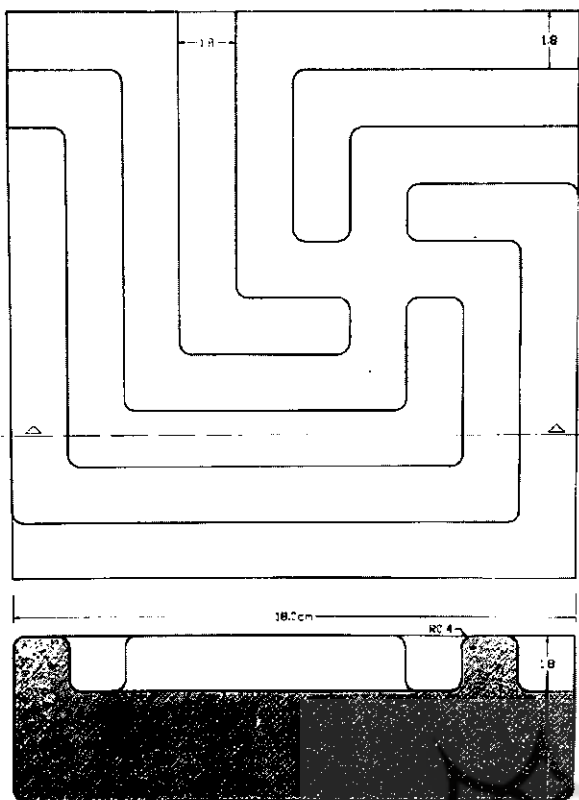
نمونه دیگری که در سایت وجود دارد به سنگ‌های یافت شده در چشمه سراب دخترن مربوط می‌شود. چیزی که در این سنگ‌ها قابل برداشت است، نوع و ابعاد اشکال نیست چرا که شعاع نیم دایره‌های بالایی، کوچکتر از نمونه‌های استفاده شده در گچبری‌هاست. بلکه آنچه که در اینجا مهم است نحوه چرخش خطوط عمودی برروی بدنه پائینی است. این حالت

در گچبری تاقچه‌ها نیز دیده می‌شوند که با یک چرخش به سمت داخل خود را با قوس نیم‌تاقی که آن را پوشش می‌دهند تطبیق می‌دهند.

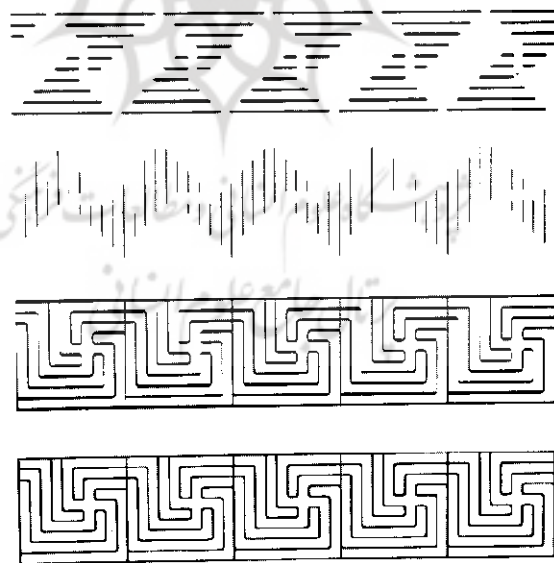
رسیدن به فرم این دندانها، احتیاج به این نوع مطالعه مقایسه‌ای دارد و در این روش به نتایج گونه‌شناسی جالبی خواهیم رسید. برای مثال در یک نمونه کوچک منتشر شده در کتاب حاجی‌آبادفارس نمونه‌ای از این نوع پوشش تاقچه مشاهده گردیده است. (شکل ۱۰)

نوع دندانها دقیقاً مانند آن چیزی است که ما در بیشاپور داریم با این تفاوت که تعداد آنها در این نمونه ۱۴ عدد بوده ولی در تاقچه‌های بیشاپور در هر قوس ۲۲ عدد دندان داریم. نکته‌ای که در این نمونه قابل تأمل است، تصویر مجسمه‌ای است که در داخل تاقچه مشاهده می‌گردد. این یکی از نمونه‌هایی است که زمینه تحقیق در رابطه با این تاقچه‌ها را فراهم می‌کند. در نمونه‌های مشابه بعضی کاخ‌های ساسانی همچون حاجی‌آباد و همچنین کاخ‌های رومی شاهد وجود مجسمه‌هایی در آنها بوده‌ایم. تعدادی چهره‌های گچی در شهر بیشاپور یافت گردیده است، ولی گزارشی از حفاری‌های آقای گریشمن در مورد یافتن این نوع مجسمه‌های گچی در مکان تاقچه وجود ندارد.

پژوهش‌های علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهش‌های جامع علوم انسانی



شکل ۸: طرح بلوک ۱۲ و ۱۸ سانتیمتری گچبری تانچه‌ها



شکل ۹: الگوی همجواری بلوک‌های گچی چلیپایی



شکل ۱۰: عکس یک شی گچی از کتاب حاجی آباد جهت مقایسه دندانه‌های روی قوس

این نوع طرح گچبری چنانچه متعلق به سال‌های ابتدایی حکومت ساسانیان باشد از لحاظ گونه‌شناسی جای تأمل بیشتری دارد. این نوع نقوش گیاهی در دوره‌های بعدی بخصوص در دوران اسلامی، الگو و زمینه‌ای برای ایجاد نقوش هنرمندانه‌ای شد که سال‌های متمادی درجات تنوع و پیشرفت را طی نمود.

همان‌طور که قبلاً گفته شد قسمتی از گچبری‌های تالار توسط یک ویرترین شیشه‌ای پوشانده شده‌اند. این قسمت تنها بخشی است که نشانه‌های گچبری‌هایی از قسمت‌های پائینی تاقچه‌ها را دارد. این قسمت با وجود حفاظت ظاهری آن، بازهم دچار آسیب‌های زیادی شده ولی با این حال هنوز قابل برداشت بود. در شکل شماره (۱۰) الگویی از طرح برداشت شده گچبری‌های زیرین تاقچه‌ها به نمایش درآمده است. شاید در مورد درستی این طرح نتوان صد در صد یقین داشت ولی می‌توان مطمئن بود که نزدیکترین طرح به آن چیزی است که نشانه‌های آن هنوز در محل باقی ست.

در شکل شماره (۱۱) یکی دیگر از المان‌های این تاقچه‌ها نشان داده شده است که همان ستون نماهایی است که در دو اندازه وجود دارند. ستون‌نماهای گچی کوچکتر در دو طرف

یکی دیگر از اجزای این طرح، گچبری‌هایی است که به اشکال گیاهی در بالای قوس تاقچه‌ها نصب گردیده بودند. نوع و تکرار استفاده از این فرم نیز می‌تواند بیانگر تولید آنها توسط قالب باشد. هیچگونه اثری از این طرح در محوطه و در میان اشیاء موزه وجود ندارد و یک نمونه از گچبری‌های گیاهی که گمان می‌رفت مربوط به این قسمت باشد و طرح‌های ارائه شده در پایان این مقاله بر اساس آنها ترسیم شده، با ابعاد لازم مطابقت ندارد. مستندترین مدرکی که در دست است همان عکس‌های تهیه شده در زمان حفاری سایت است که نمونه در دسترس کیفیت رضایت بخشی ندارد. در مقایسه بین عکس‌های زمان حفاری آقای گریشمن و نمونه‌ای که در موزه لوور قرار دارد مشخص است که جهت قرارگیری این نقوش گیاهی در مولاز موزه لوور و عکس یاد شده معکوس یکدیگر هستند که چنانچه فرض کنیم نمونه ساخته شده سندیت لازم را داشته باشد می‌توان تصور نمود که هر دو نوع قرارگیری این نقوش گیاهی وجود داشته‌اند.

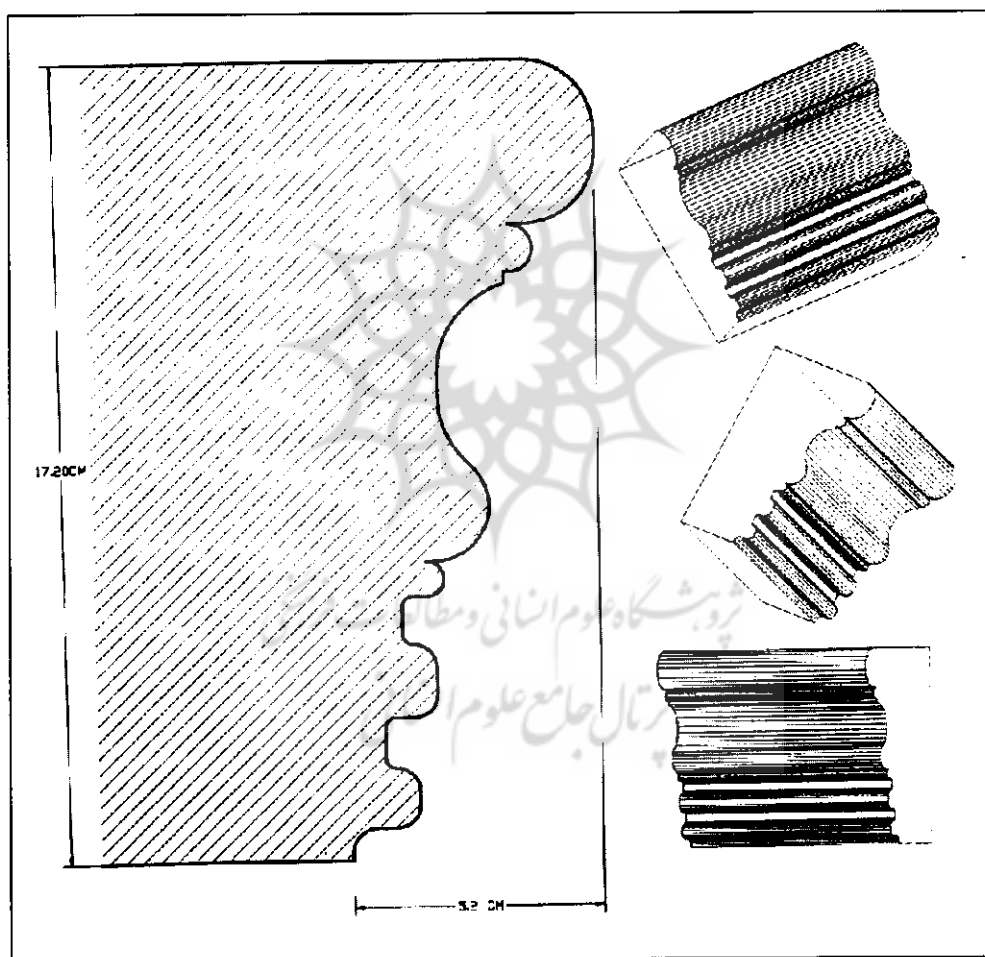
در شکل شماره (۱۲) طرح کلی همجواری و فاصله‌های بعضی عناصر یاد شده به نمایش درآمده است. در این شکل محل قرارگیری پای ستون‌نماها و ارتفاع آنها و همچنین نوع قوس و قرارگیری قسمت‌هایی از بلوک‌های ۱۸ سانتیمتری نشان داده شده است.

بازسازی‌های ارائه شده به نمایش درآمده تکمیل می‌گردد. (شکل ۱۳)

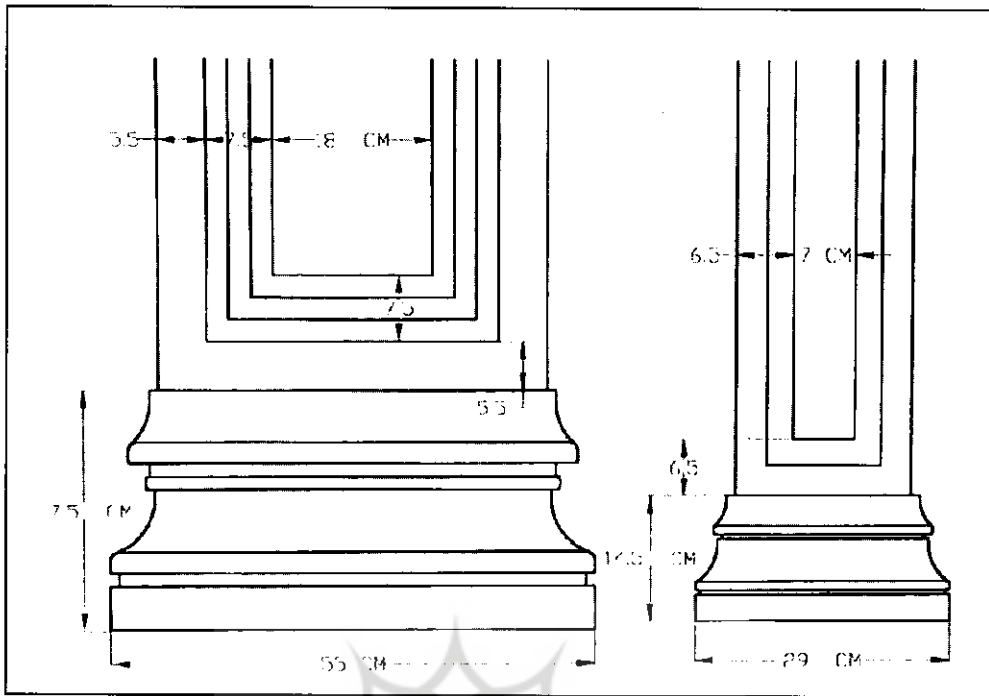
تاقچه و ستون‌نماهای بزرگتر در بین هر دو تاقچه قرار داشته‌اند. در خود محوطه این تالار چلیپایی دیگر هیچ اثری از آنها نیست. و تنها مدارک موجود عکس‌های زمان حفاری و نمونه بازسازی شده در موزه لوور است.

با این حال نمونه‌ای از همین نوع ستون‌نماها در تالار موزائیک وجود دارد که می‌تواند الگوی مناسبی برای طرح ارائه شده باشد.

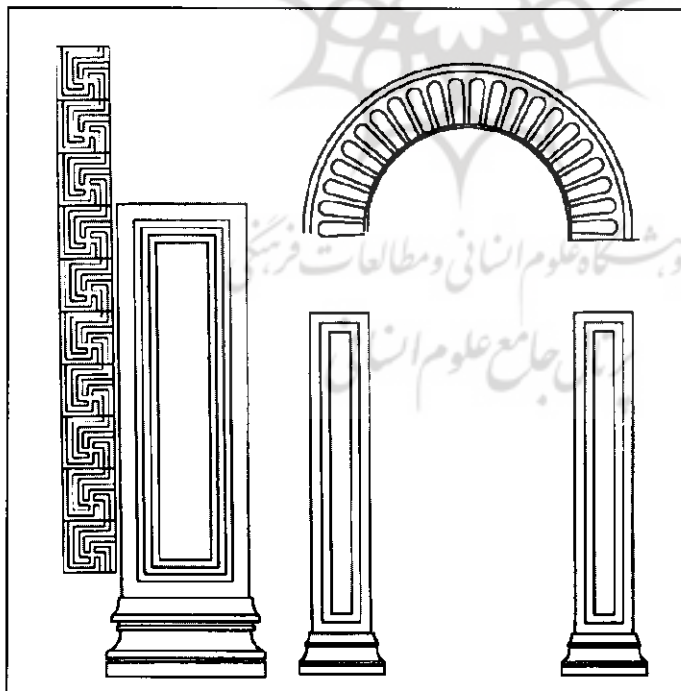
بقیه قسمت‌ها طبق آنچه در توضیحات و نمونه‌های



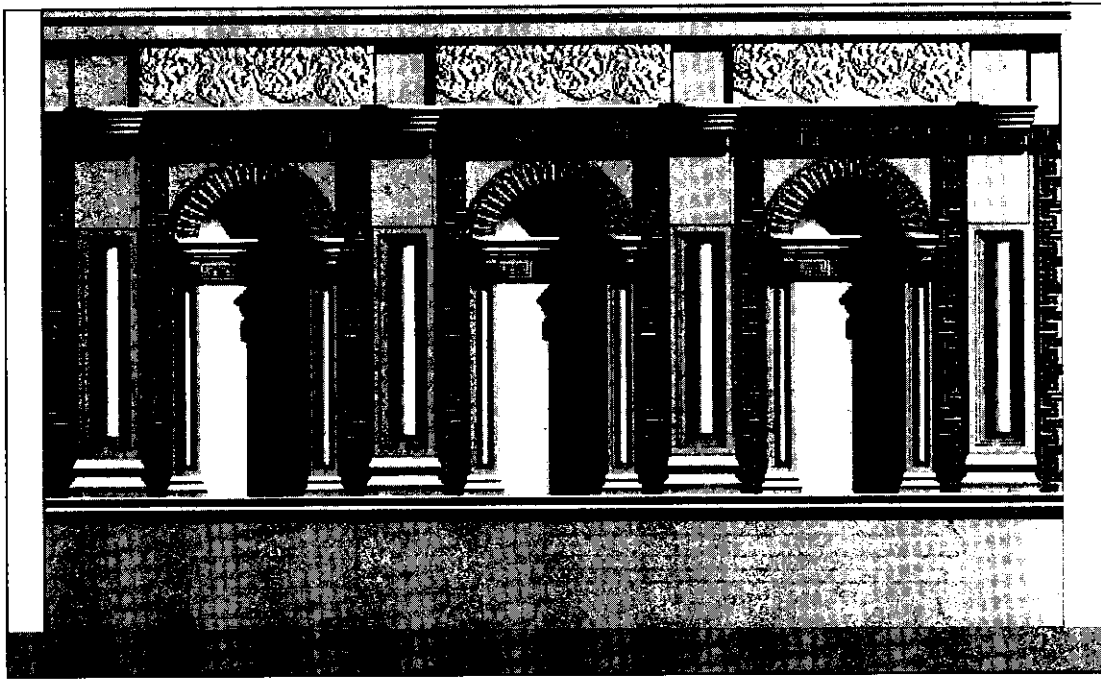
شکل ۱۰: طرح گچبری های زیر تاقچه ها



شکل ۱۱: طرح گچبری های ستون نماهای تاقچه ها



شکل ۱۲: طرح همجواری قطعات گچبری ها



شکل ۱۳: طرح پیشنهادی برای تزئینات گچی تاقچه های تالار جلیپایی در وضعیت اولیه

- | | |
|--|---|
| <p>منابع و ماخذ:</p> <ul style="list-style-type: none"> - کتاب بیشاپور (جلد یک و دو) نوشته گریشمن - نقشه ها و مدارک موجود در آرشیو پایگاه پژوهشی بیشاپور - کتاب حاجی آباد نوشته دکتر آذرنوش - برداشتهای محلی | <p>در شکل شماره (۱۴) سعی بر آن گردید تا با جانمایی طرح در تصویر، یکی از محل های قرارگیری آن نمایی از وضعیت اولیه این تالار را به نمایش گذاشت. فرم نزدیک به یقینی که از این گچبری ها با استناد به مطالب بیان شده در این مقاله تهیه گردید در این امر کمک شایانی نمود. گستردگی طرح این گچبری ها چهره واقعی از این فضا را نشان می دهد و مهمتر آنکه از لحاظ فرم و شکل راهنمایی هر چند محدود برای فرضیه ای در نوع پوشش این بناست که همیشه مورد نظر محققان بوده است. چرا که نمی توان منکر پیوستگی عناصر ساختمانی این بنا بود هرچند که آن یک جزء تزئینی باشد.</p> |
|--|---|



شکل ۱۴: طرح جانمایی تزئینات گچی در قسمتی از ناقچه های تالار چلیبا